

فهرست مطالب



پیشگفتار.....	۱
بخش اول: مبانی، کلیات و مباحث مقدماتی حقوق مالیه عمومی.....	۵
فصل اول - اهمیت مالیه عمومی.....	۶
مقدمه.....	۶
فصل دوم - مفاهیم.....	۱۱
مبحث اول - مفهوم شناسی حقوق.....	۱۱
مبحث دوم - مفهوم شناسی مالیه.....	۱۱
مبحث سوم - وجوه تمایز و تشابه مالیه عمومی با مالیه خصوصی.....	۱۳
گفتار اول - تفاوت مالیه عمومی با مالیه خصوصی.....	۱۳
گفتار دوم - وجوه تشابه مالیه عمومی و مالیه خصوصی.....	۱۷
مبحث چهارم - مقایسه و ارتباط مالیه عمومی با سایر علوم.....	۱۷
فصل سوم - مباحث.....	۲۰
مبحث اول - اهداف اقتصادی مالیه عمومی.....	۲۰
مبحث دوم - اهداف و وظائف دولت‌ها.....	۲۱
مبحث سوم - نظریه شکست بازار و انتخاب عمومی.....	۲۴
گفتار اول - نظریه شکست بازار.....	۲۴
گفتار دوم - نظریه انتخاب عمومی یا شکست دولت.....	۲۴
فصل چهارم - تاریخچه و تحولات علم مالیه عمومی.....	۲۸
مبحث اول - دوره باستان.....	۲۸
مبحث دوم - دوره مکاتب.....	۳۰
گفتار اول - مکتب سوداگران یا مرکانتیلیست‌ها.....	۳۰
گفتار دوم - مکتب طبیعیون یا فیزیوکرات‌ها.....	۳۱
گفتار سوم - مکتب کلاسیک.....	۳۲
گفتار چهارم - مکتب سوسیالیسم.....	۳۳
مبحث سوم - دوره کینز و هایک.....	۳۴
۱- کینز.....	۳۴
۲- هایک.....	۳۵

۳۷	مبحث چهارم - دوره معاصر
۳۸	مبحث پنجم - تاریخچه مالیه عمومی در جهان
۳۹	۱- مالیه عمومی در انگلستان
۴۱	۲- مالیه عمومی در رنسانس و اصلاحات مذهبی
۴۱	۳- مالیه عمومی در آمریکا
۴۲	۴- مالیه عمومی در فرانسه
۴۳	۵- مالیه عمومی در روسیه
۴۴	فصل پنجم - تاریخچه مالیه عمومی در ایران
۴۴	مبحث اول - ایران قدیم
۴۶	مبحث دوم - ایران پس از اسلام
۴۷	مبحث سوم - دوره صفویه و پس از آن
۴۹	مبحث چهارم - دوره قاجار
۵۱	مبحث پنجم - دوره پهلوی
۵۱	مبحث ششم - جمهوری اسلامی
۵۳	مبحث هفتم - تاریخچه وزارت مالیه در ایران

بخش دوم - در آمدی بر مالیه عمومی در اسلام ۵۵

۵۶	مقدمه
۵۷	فصل اول - منابع در آمدی حکومت اسلامی
۵۷	مبحث اول - مالیات‌های ثابت (زکات و خمس) و موارد مصرف آنها
۵۷	گفتار اول - زکات
۵۷	بند اول - مفهوم و تعریف زکات
۵۸	بند دوم - انواع زکات
۵۸	الف - زکات فطره
۵۸	ب - زکات اموال
۵۹	بند سوم - مصارف زکات
۶۱	گفتار دوم - خمس
۶۱	بند اول - مفهوم و تعریف خمس
۶۱	بند دوم - منابع خمس
۶۲	بند سوم - تقسیم بندی خمس

۶۴	فصل دوم - دارایی‌ها و سایر درآمدها و مالیات‌های متغیر حکومتی
۶۴	مبحث اول - انفال و فیه (دارایی‌ها) و موارد مصرف آنها
۶۴	گفتار اول - انفال
۶۵	گفتار دوم - فیه
۶۶	مبحث دوم - جزیه و خراج و سایر درآمدها و مالیات‌های متغیر حکومتی
۶۶	گفتار اول - جزیه
۶۸	گفتار دوم - خراج
۶۸	مبحث سوم - موقوفات عام
۶۸	مبحث چهارم - لُقْطَه (اشیای گمشده)
۶۸	مبحث پنجم - میراث افراد بی وارث
۶۹	مبحث ششم - سایر درآمدها و مالیات‌های متغیر حکومتی
۷۰	فصل سوم - هزینه‌های حکومت اسلامی
۷۳	فصل چهارم - اصول مالیاتی در اسلام

بخش سوم - منابع حقوق مالیه عمومی

۷۷	۱ - قوانین و مقررات
۷۸	الف - قانون اساسی
۸۲	ب - اسناد بالادستی
۸۲	ج - قوانین عادی
۸۴	د - مقررات دولتی
۸۴	۲ - معاهدات بین‌المللی
۸۵	۳ - رویه قضایی
۸۵	۴ - سایر منابع
۸۵	۵ - اندیشه‌های حقوقی یا دکتترین
۸۶	۶ - منابع معتبر اسلامی یا منابع فقهی

بخش چهارم - هزینه‌ها و درآمدهای عمومی (مصارف و منابع مالی دولت)

۸۷	فصل اول - هزینه‌های عمومی (مصارف)
۸۸	مبحث اول - اهمیت مخارج عمومی
۹۰	مبحث دوم - انواع هزینه‌های عمومی در مالیه عمومی
۹۲	گفتار اول - هزینه‌های اداری (جاری)
۹۳	گفتار دوم - هزینه‌های انتقالی

- بند اول- هزینه‌های انتقالی اجتماعی ۹۳
- ۱ - هزینه‌های انتقالی فردی ۹۴
- ۲ - هزینه‌های انتقالی جمعی ۹۴
- بند دوم- هزینه‌های انتقالی مالی ۹۵
- گفتار سوم- هزینه‌های سرمایه گذاری ۹۵
- ۱- سرمایه گذاری زیربنائی ۹۷
- ۲- سرمایه گذاری اجتماعی ۹۷
- ۳- سرمایه گذاری انتفاعی ۹۷
- گفتار چهارم- مصادیق هزینه‌های اداری، انتقالی و سرمایه‌ای ۹۸
- گفتار پنجم- سرمایه گذاری‌های مولد و غیر مولد ۹۹
- گفتار ششم- روشهای تصمیم گیری هزینه‌های دولتی ۱۰۰
- مبحث سوم- طبقه بندی هزینه‌های عمومی در بودجه سالانه کل کشور ایران ۱۰۱
- گفتار اول - هزینه‌های عمومی ۱۰۱
- گفتار دوم- هزینه‌های تملک داراییهای سرمایه ای ۱۰۱
- گفتار سوم- هزینه‌های تملک دارایی‌های مالی ۱۰۳
- گفتار چهارم - هزینه از محل درآمدهای اختصاصی ۱۰۴
- فصل دوم - درآمدهای عمومی (منابع مالی دولت) ۱۰۵**
- مقدمه ۱۰۵
- مبحث اول- درآمدهای حاصل از مالکیت، دارایی‌ها و خدمات دولتی (درآمدهای خالصه و انحصارات) ۱۰۷
- گفتار اول - درآمدهای خالصه و انحصارات ۱۰۷
- بند اول - خالصه ۱۰۷
- بند دوم- انحصارات ۱۰۸
- مبحث دوم- درآمدهای استقراضی ۱۰۸
- گفتار اول- قرضه ۱۰۸
- گفتار دوم- انواع استقراض ۱۱۲
- بند اول - وام و استقراض ۱۱۲
- ۱- وام و استقراض خارجی ۱۱۳
- ۲- وام و استقراض داخلی ۱۱۳
- مبحث سوم- درآمدهای پولی ۱۲۰
- گفتار اول - سیاست مالی ۱۲۱
- گفتار دوم- سیاست پولی ۱۲۲
- مبحث چهارم- درآمدهای منابع طبیعی ۱۲۲

بخش پنجم - حقوق مالیاتی ۱۲۵**فصل اول - مفاهیم و کلیات ۱۲۶**

گفتار اول- درآمدهای مالیاتی دولت ۱۲۶

گفتار دوم: مفهوم و ماهیت مالیات و عوارض ۱۲۹

بند اول: مالیات ۱۲۹

بند دوم: عوارض ۱۳۱

بند سوم: تفاوت مالیات و عوارض ۱۳۲

مهم ترین تفاوت‌های عوارض با مالیات عبارت است از: ۱۳۲

فصل دوم - اصول مالیات‌ها ۱۳۴

مبحث اول: اصول مالیات‌ها از دیدگاه آدام اسمیت ۱۳۵

مبحث دوم- اصول مالیات‌ها از منظر کلاسیک ۱۳۶

مبحث سوم- اصول نوین مالیات‌ها ۱۳۷

مبحث چهارم- اصول حقوقی حاکم بر مالیات‌ها ۱۴۲

فصل سوم - سیاست‌های مالیاتی ۱۵۰

مبحث اول- نرخ‌های مالیاتی ۱۵۱

مبحث دوم- معافیت‌های مالیاتی (اهداف دولت در اعطای معافیت‌های مالیاتی) ۱۵۵

مبحث سوم: مالیات و مردم (تمکین مالیاتی) ۱۵۶

مبحث چهارم: انتقال مالیات و مراحل مالیات ۱۵۸

گفتار اول- مراحل انتقال مالیات ۱۵۹

گفتار دوم- روش‌های انتقال مالیات ۱۶۰

مبحث پنجم: اجتناب و فرار مالیاتی ۱۶۱

۱. اجتناب مالیاتی ۱۶۱

۲. فرار مالیاتی ۱۶۲

۳. تمایز میان فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی ۱۶۲

۴. قلمرو قوانین مالیاتی بر درآمد منابع خارجی ۱۶۳

۵- روش جلوگیری از مالیات مضاعف ۱۶۴

۶- قراردادهای مالیاتی ۱۶۴

فصل چهارم - طبقه‌بندی (انواع) مالیات‌ها ۱۶۶

مبحث اول: پایه‌های مالیاتی ۱۶۶

۱ - پایه مالیات بر درآمد ۱۶۷

۲- پایه مالیات بر ثروت ۱۶۸

۳- پایه مالیات بر مصرف ۱۶۸

- مبحث دوم: انواع مالیات‌ها بر اساس روش حقوقی انتخاب حقوقی مأخذ مالیات ۱۶۹
۱. مالیات‌های مستقیم ۱۷۰
۲. مالیات‌های غیر مستقیم ۱۷۰
- ویژگی‌های مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم (معايب و مزایا) ۱۷۱
- فصل پنجم - منابع (انواع درآمدهای) مالیاتی در ایران ۱۷۵**
- مبحث اول - کلیات و مباحث مقدماتی ۱۷۵
- ۱- مروری بر قوانین مالیاتی معاصر ایران ۱۷۵
- ۲- وضعیت مالیات در ایران ۱۷۶
- ۳- پایه های مالیاتی در ایران ۱۷۸
- الف - پایه های مالیاتی مالیات بر درآمد ۱۷۸
- ب- پایه های مالیاتی مالیات بر دارائی ۱۷۸
- ج- پایه مالیات بر مصرف ۱۷۸
- د- پایه مالیاتهای اداری ۱۷۹
- ۴- معافیت‌های مالیاتی در ایران ۱۷۹
- ۵- امور اجرائی وصول مالیاتها ۱۸۰
- ۶- مالیات تکلیفی ۱۸۳
- مبحث دوم- مالیات بر دارایی ۱۸۴
- گفتار اول - مالیات بر ارث ۱۸۴
- گفتار دوم- حق تمبر ۱۹۲
- گفتار سوم - مالیات بر اراضی بایر با کاربری مسکونی ۱۹۴
- مبحث سوم- مالیات بر درآمد ۱۹۵
- گفتار اول- مالیات بر درآمد املاک ۱۹۵
- گفتار دوم - مالیات بر درآمد حقوق ۲۰۱
- گفتار سوم - مالیات بر درآمد مشاغل ۲۰۴
- گفتار چهارم- مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی ۲۰۶
- بند اول- اشخاص حقوقی مشمول مالیات ۲۰۷
- بند دوم- اشخاص حقوقی ایرانی تجاری ۲۰۸
- بند سوم- انواع مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی ۲۰۸
- بند چهارم- نحوه تشخیص مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی و تکلیف پرداخت آن ۲۱۰
- گفتار پنجم- مالیات درآمد اتفاقی ۲۱۲
- مبحث چهارم- اشخاص مشمول مالیاتهای مستقیم ۲۱۲
- فصل ششم - انواع مالیاتهای غیر مستقیم ۲۱۵**
- مبحث اول- مالیات بر واردات (حقوق و عوارض گمرکی) ۲۱۶

۲۱۷.....	مبحث دوم- مالیات بر معاملات یا فروش.....
۲۱۷.....	مبحث سوم- مالیات بر مصرف.....
۲۱۸.....	مبحث چهارم- مالیات بر ارزش افزوده.....
۲۱۸.....	گفتار اول- کلیات، تاریخچه، مباحث مقدماتی، مفاهیم و اصطلاحات.....
۲۱۸.....	بند اول- کلیات.....
۲۱۹.....	بند دوم-تاریخچه مالیات بر ارزش افزوده در ایران.....
۲۲۲.....	بند سوم- مفاهیم و اصطلاحات.....
۲۲۳.....	گفتار دوم- دامنه شمول مالیات بر ارزش افزوده.....
۲۲۳.....	مشمولین.....
۲۲۶.....	گفتار سوم- اصول حقوقی حاکم در مالیات بر ارزش افزوده.....
۲۲۶.....	۱. اصل عدالت مالیاتی.....
۲۲۶.....	۲. اصل اطمینان و سهولت در اجرای مالیات.....
۲۲۷.....	۳. اصل سرعت و صرفه جویی در وصول مالیات.....
۲۲۸.....	۴. اصل محرمانه بودن اطلاعات مالیاتی.....
۲۲۸.....	۵. اصل سالیانه بودن مالیات.....
۲۲۸.....	۶. اصل قانونی بودن مالیات.....
۲۲۹.....	۷. اصل قلمرو قانون در مکان.....
۲۲۹.....	۸. اصل قلمرو قانون در زمان.....
۲۲۹.....	۹. اصل ضمانت اجرا.....
۲۳۲.....	گفتار چهارم- ویژگی‌های مالیات بر ارزش افزوده (مزایا و معایب) برای مودیان مالیاتی.....
۲۳۲.....	بند اول- مزایای مالیات بر ارزش افزوده.....
۲۳۳.....	بند دوم- معایب مالیات بر ارزش افزوده.....
۲۳۵.....	بند سوم- راه‌های فرار مالیاتی در سیستم مالیات بر ارزش افزوده.....
۲۳۹.....	بند چهارم- معافیت آستانه.....
۲۴۸.....	فصل هفتم- دادرسی مالیاتی.....
۲۴۹.....	مبحث اول- تعریف و مفهوم اختلاف مالیاتی.....
۲۴۹.....	بند اول- اختلاف.....
۲۵۰.....	بند دوم- مالیات.....
۲۵۰.....	بند سوم- تعریف اختلاف مالیاتی.....
۲۵۱.....	بند چهارم- تعریف دادرسی.....
۲۵۳.....	مبحث دوم- گونه‌های اختلاف مالیاتی.....
۲۵۳.....	گفتار اول- از حیث گونه‌های مالیات.....
۲۵۳.....	بند اول- مالیاتهای مستقیم.....

- بند دوم - مالیاتهای غیر مستقیم ۲۵۴
- گفتار دوم - از حیث مراحل مالیات ۲۵۵
- بند اول - مرحله‌ی وضع قانون و مقررات گذاری مالیاتی ۲۵۵
- بند دوم - مرحله‌ی اجرای قوانین و مقررات مالیاتی ۲۵۸
- گفتار سوم - از حیث پایه و منبع مالیاتی ۲۶۶
- الف - پایه‌ی مالیاتی ۲۶۶
- ب - منبع مالیاتی ۲۶۷
- مبحث سوم - مفهوم و گونه‌های صلاحیت در رسیدگی و دادرسی مالیاتی ۲۶۷
- گفتار اول - مفهوم صلاحیت و پیامدهای آن در آیین دادرسی مالیاتی ۲۶۷
- گفتار دوم - گونه‌های صلاحیت در آیین دادرسی مالیاتی ۲۶۹
- بند اول - صلاحیت ذاتی (Competence Of Court Reation Materiae) ۲۶۹
- بند دوم - صلاحیت نسبی (Local Competence) ۲۷۱
- بند سوم - صلاحیت محلی (Domestic jurisdiction) ۲۷۲
- بند چهارم - صلاحیت کشوری و ملی (National Competence) ۲۷۲
- بند پنجم - صلاحیت بین المللی (International/Global/World Competence) ۲۷۳
- بند ششم - صلاحیت ماهوی (Meritorious/Substantive Competence) ۲۷۴
- بند هفتم - صلاحیت شکلی (Procedural/ Formal Cmpetence) ۲۷۵
- بند هشتم - صلاحیت سازمانی (Inditutional Cmpetence) ۲۷۶
- بند نهم - صلاحیت اختصاصی و فنی مالیاتی (Competence Tax Special And Technical) ۲۷۶
- بند دهم - صلاحیت صنفی (Corporate Competence) ۲۷۷
- مبحث چهارم - منابع آیین دادرسی مالیاتی ۲۷۸
- گفتار اول - پیروی آیین دادرسی مالیاتی از منابع کلی دانش حقوق ۲۷۸
- گفتار دوم - تعریف مبانی و منابع ۲۷۸
- گفتار سوم - منابع آیین دادرسی مالیاتی ۲۸۳
- بند اول - قانون ۲۸۳
- بند دوم - عرف custom ۲۸۹
- بند سوم - رویه‌های اداری و قضایی ۲۹۲
- بند چهارم - دکترین ۲۹۴
- بند پنجم - اصول کلی حقوقی ۲۹۵
- ۱- مفهوم شناسی اصول ۲۹۵
- ۲- مصادیق اصول کلی حقوقی در دادرسی‌های مالیاتی ۲۹۶
- بند ششم - قواعد انصاف و عدالت ۲۹۹

- ۱- مفهوم شناسی انصاف و عدالت و جایگاه آن در حقوق مالیاتی ایران ۲۹۹
- ۲- مصادیق قواعد انصاف در قانون مالیات‌های مستقیم (اصلاحی ۱۳۹۴/۰۴/۳۱) ۳۰۰
- مبحث پنجم-مراجع رسیدگی به اختلاف در مرحله‌ی تشخیص و تعیین مالیات ۳۰۴
- گفتار اول- اداره‌ی امور مالیاتی ۳۰۴
- بند اول-تعریف اداره امور مالیاتی و جایگاه حقوقی آن ۳۰۴
- بند دوم: اهمیت اداره‌ی امور مالیاتی در رفع اختلافات مالیاتی ۳۰۶
- بند سوم: شیوه‌ی رسیدگی اداره‌ی امور مالیاتی به اعتراض مؤدی ۳۰۷
- بند چهارم: بایسته‌های حقوقی حل اختلافات مالیاتی توسط اداره‌ی امور مالیاتی ۳۰۹
- گفتار دوم: هیأت بدوی حل اختلاف مالیاتی ۳۱۵
- بند اول: پیشینه‌ی حقوقی و قانونی ۳۱۵
- بند دوم: جایگاه قانونی ۳۱۶
- بند سوم: ساختار سازمانی ۳۱۷
- بند چهارم: صلاحیت هیأت ۳۱۸
- بند پنجم- مندرجات برگ اعتراض مؤدی و چگونگی تسلیم آن به هیأت ۳۱۹
- بند ششم: شرایط وکالت در هیأت ۳۲۰
- بند هفتم: اوقات رسیدگی در هیأتها ۳۲۲
- بند هشتم: قرار رسیدگی توامان ۳۲۳
- بند نهم: امکان صدور قرارهای مالیاتی از سوی هیأت ۳۲۳
- بند دهم: قرار تحقیق و بررسی کارشناسی توسط مأموران مالیاتی ۳۲۴
- بند یازدهم- قرار کارشناسی توسط کارشناس رسمی داد گستری ۳۲۴
- بند دوازدهم- حقوق مؤدی مالیاتی پس از صدور و اجرای قرار کارشناسی ۳۲۵
- بند سیزدهم- قرار تأمین مالیات ۳۲۶
- بند چهاردهم- قرار اِناطه ی مالیاتی ۳۲۷
- گفتار سوم: صدور و انشای رأی در هیأت حل اختلاف مالیاتی ۳۲۹
- بند اول: تعریف و مفهوم رأی هیأت ۳۲۹
- الف- انشای رأی هیات ۳۳۰
- ۱- زمان انشای رأی ۳۳۰
- ۲- مفهوم انشای رأی ۳۳۰
- بند دوم- مندرجات و محتوای رأی هیأت ۳۳۲
- بند سوم: قید نظر اقلیت در متن رأی ۳۳۳
- بند چهارم: تصحیح رأی هیأت ۳۳۳
- بند پنجم- موارد رد اعضای هیأت ۳۳۴
- بند ششم: نحوه ابلاغ و اجرای رأی هیأت ۳۳۵

- بند هفتم: شرایط اعتراض ۳۳۶
- بند هشتم: مرجع تقدیم اعتراض ۳۳۷
- بند نهم: تکالیف اداره امور مالیاتی ۳۳۷
- الف: وصول اعتراض ۳۳۷
- ب: ارسال پرونده به هیأت تجدیدنظر ۳۳۷
- گفتار چهارم - هیأت تجدید نظر حل اختلاف مالیاتی ۳۳۸
- بند اول: جایگاه حق تجدید نظر خواهی مالیاتی در نظام های حقوق مالیاتی ۳۳۸
- بند دوم: ترکیب و ساختار هیأت تجدیدنظر ۳۳۸
- بند سوم: وظایف و اختیارات هیأت تجدیدنظر ۳۳۸
- الف- مرجع رسیدگی تجدید نظر از آرای هیأت های بدوی ۳۳۸
- ب- مرجع رسیدگی به شکایات موضوع تبصره ۵ ماده ۲۴۷ ۳۳۹
- ج- مرجع رسیدگی تجدید نظر از آراء مربوط به اختلافات ناشی از قانون مالیات بر ارزش افزوده ۳۳۹
- گفتار پنجم: شورای عالی مالیاتی (ماده ۲۵۱ ق.م.م) ۳۴۰
- ۱- صلاحیت ۳۴۱
- ۲- موارد ارجاع پرونده به هیأت (۲۵۱ ق.م.م) ۳۴۱
- ۳- آرای شورای عالی مالیاتی (۲۵۱ ق. م. م) ۳۴۱
- ۴- مواد قانونی مربوطه (۲۵۱) ق.م.م ۳۴۲
- گفتار ششم- هیات موضوع مادهی (۲۵۷) ق.م.م. (هیأت هم عرض) ۳۴۲
- الف - جایگاه قانونی ۳۴۲
- ب - صلاحیت ۳۴۳
- گفتار هفتم: هیأت موضوع مادهی (۲۵۱) مکرر ق.م.م ۳۴۳
- الف- جایگاه قانونی ۳۴۳
- ب- شرایط و ویژگی های رسیدگی در هیات مادهی (۲۵۱) مکرر ۳۴۴
- ج- نکات در خصوص هیأت ۲۵۱ مکرر ۳۴۶
- گفتار هشتم: هیأت تبصره ی ۱ ماده ی ۱۸۷ ۳۴۸
- گفتار نهم: مرجع رسیدگی به اختلاف مالیاتی در مرحله ی وصول و اجرای مالیات ۳۴۹
- هیأت حل اختلاف مالیاتی موضوع مادهی (۲۱۶) ق.م.م. ۳۴۹
- گفتار دهم- مرجع رسیدگی به اختلاف دربارهی وصول مالیات از غیر مؤدی و اضافه پرداخت مالیات ۳۵۰
- الف - هیأت حل اختلاف مالیاتی موضوع تبصره ی مادهی (۱۵۷) ق.م.م) ۳۵۰
- ب- هیأت حل اختلاف مالیاتی رسیدگی به درخواست استرداد مالیات ۳۵۲
- گفتار یازدهم: دیوان عدالت اداری ۳۵۳
- بند اول- نحوه تقدیم شکایت به دیوان ۳۵۷
- بند دوم: مرجع تقدیم دادخواست ۳۵۸

بند سوم: مهلت تقدیم دادخواست	۳۵۹
بند چهارم: نحوه رسیدگی در دیوان	۳۵۹
بند پنجم: رسیدگی در شعب تجدیدنظر دیوان	۳۶۰
بند ششم: موارد ارجاع پرونده به دیوان عدالت اداری	۳۶۱

بخش ششم - حقوق بودجه‌ای ۳۶۵

فصل اول - مفاهیم، تعاریف و کلیات	۳۶۶
مقدمه	۳۶۶
مبحث اول - مفهوم و تعاریف، پیشینه تاریخی فرآیند (فراگرد) بودجه (بررسی، تصویب و اجرا و نظارت بر بودجه)	۳۶۷
گفتار اول - مفهوم و تعاریف بودجه	۳۶۷
بند اول - مفهوم‌شناسی لغوی بودجه	۳۶۷
بند دوم - بودجه از منظر حقوق دانان و اصطلاحی	۳۶۸
بند سوم - بودجه از منظر قانون‌گذاری	۳۶۸
بند چهارم - تعریف بودجه و بودجه‌ریزی	۳۶۹
بند پنجم - ماهیت‌شناسی بودجه	۳۷۰
بند ششم - سند بودجه	۳۷۱
گفتار دوم - پیشینه تاریخی	۳۷۳
بند اول - پیشینه عمومی بودجه (در جهان)	۳۷۳
بند دوم - پیشینه بودجه (برنامه‌ریزی) در ایران	۳۷۵
۱- قبل از مشروطه	۳۷۵
۲- بعد از مشروطه	۳۷۶
۳- برنامه‌ریزی پس از انقلاب اسلامی	۳۷۶
مبحث دوم - اهداف و مأموریت‌های بودجه‌ریزی	۳۸۱
گفتار اول - اصول کلاسیک (یا قدیم)	۳۸۲
- اصل اقتدار	۳۸۲
- اصل سالانه بودن بودجه	۳۸۲
- اصل جامعیت (اصل کامل بودن بودجه)	۳۸۳
- اصل وحدت بودجه	۳۸۴
- اصل تخصیص	۳۸۶
- اصل عدم تخصیص	۳۸۶
- اصل تفصیل یا شمولیت	۳۸۷

- ۳۸۷..... اصل انعطاف پذیری
- ۳۸۷..... اصل قانونی بودن
- ۳۸۸..... اصل تحدیدی بودن هزینه‌ها
- ۳۸۸..... اصل تخمینی بودن درآمدها
- ۳۸۹..... اصل تعادل بودجه
- ۳۹۰..... اصل تقدم درآمد بر هزینه
- ۳۹۱..... گفتار دوم- اصول جدید بودجه‌ریزی
- ۳۹۱..... اصل شفافیت
- ۳۹۲..... اصل پاسخگویی
- ۳۹۲..... اصل ثبات
- ۳۹۲..... اصل عملکرد (کارآیی، صرفه‌جویی و اثربخشی)
- ۳۹۳..... گفتار سوم- نقش بودجه در اقتصاد کشورها
- ۳۹۳..... ۱- ایجاد رونق بعد از رکود اقتصادی
- ۳۹۳..... ۲- مقابله با تورم
- ۳۹۴..... ۳- کاهش نابرابری درآمدها
- ۳۹۴..... ۴- کمک به موازنه پرداخت‌ها
- ۳۹۴..... گفتار چهارم- کسر بودجه و راه‌های جبران آن
- ۳۹۵..... ۱- صرفه‌جویی در هزینه‌های دولتی و کوچک‌سازی دولت
- ۳۹۵..... ۲- چاپ اسکناس
- ۳۹۶..... ۳- قرضه خارجی
- ۳۹۷..... ۴- قرضه داخلی
- ۳۹۷..... گفتار پنجم- روش‌های بودجه‌ریزی
- ۳۹۸..... بند اول- بودجه‌ریزی سنتی (متداول)
- ۳۹۸..... بند دوم- بودجه‌ریزی برنامه‌ای
- ۳۹۹..... بند سوم- بودجه‌ریزی بر مبنای صفر
- ۴۰۰..... بند چهارم- بودجه‌ریزی عملیاتی
- ۴۰۲..... بند پنجم- بودجه‌ریزی افزایشی
- فصل دوم - ساختار و اهداف نظام حقوق بودجه (تهیه، تنظیم، پیشنهاد و تصویب بودجه)** ۴۰۳.....
- ۴۰۳..... مبحث اول- سابقه تاریخی بودجه‌ریزی در ایران
- ۴۰۴..... دستگاه‌های بودجه‌ریزی در ایران
- ۴۰۶..... مبحث دوم- تهیه و پیشنهاد بودجه
- ۴۰۶..... گفتار اول- تهیه و تنظیم بودجه در دولت
- ۴۰۶..... ۱- صلاحیت قوه مجریه

۴۰۷.....	۲-شیوه تدوین بودجه
۴۰۸.....	گفتار دوم- تصویب بودجه
۴۰۸.....	بند اول-صلاحیت قوه مقننه
۴۰۸.....	بند دوم- مراحل تصویب بودجه
۴۱۰.....	بند سوم-قانون بودجه
۴۱۱.....	بند چهارم-ماهیت حقوقی قانون بودجه
۴۱۲.....	بند پنجم-ویژگی های قانون بودجه
۴۱۲.....	۱-ویژگی های کلی قانون بودجه:
۴۱۳.....	۲-ویژگی های قانون بودجه در ارتباط با مصارف بودجه (هزینه های عمومی)
۴۱۴.....	۳-ویژگی های قانون بودجه در ارتباط با منابع بودجه (درآمدهای عمومی)
۴۱۵.....	بند ششم-رابطه قانون بودجه با قوانین برنامه توسعه
۴۱۶.....	گفتار سوم- اجرای بودجه
۴۱۶.....	بند اول-مراحل مقدماتی اجرای بودجه (عمومی اجرای بودجه)
۴۱۷.....	الف-ابلاغ بودجه توسط رئیس جمهور
۴۱۷.....	ب-تخصیص اعتبار
۴۱۸.....	ج-تبادل (مبادله) موافقتنامه
۴۱۸.....	بند دوم-مراحل تفصیلی اجرای بودجه
۴۱۸.....	۱-اجرای بودجه از لحاظ اداری
۴۱۹.....	الف-تشخیص
۴۱۹.....	ب-تامین اعتبار
۴۱۹.....	ج-تعهد
۴۲۰.....	د-تسجیل
۴۲۱.....	ه-حواله
۴۲۲.....	۲-اجرای بودجه از لحاظ حسابداری «عمل پرداخت»
۴۲۳.....	الف-پرداخت نقدی
۴۲۳.....	ب-پرداخت به وسیله چک
۴۲۳.....	ج-پیش پرداخت و علی الحساب
۴۲۵.....	بند سوم-خزانه کل کشور
۴۲۸.....	گفتار چهارم- نظارت بر اجرای بودجه
۴۲۸.....	بند اول- مفهوم نظارت
۴۳۰.....	بند دوم-انواع نظارت (فرآیند نظارت)
۴۳۰.....	الف-نظارت اداری
۴۳۲.....	۲-نظارت ضمن خرج

۴۳۲.....	ب-نظارت پارلمانی (قانونی).....
۴۳۲.....	۱-نظارت قانونی طی سال مالی.....
۴۳۳.....	۲-نظارت قانونی پس از پایان سال مالی (لایحه تفریغ بودجه).....
۴۳۹.....	۳- دیوان محاسبات.....
۴۳۹.....	وظایف دیوان محاسبات کشور.....
۴۴۰.....	سازمان و تشکیلات دیوان محاسبات کشور.....
۴۴۱.....	صلاحیت هیات‌های مستشاری دیوان محاسبات کشور.....
۴۴۲.....	آیین دادرسی در هیات‌های مستشاری.....
۴۴۵.....	اجرای احکام دیوان محاسبات.....
۴۴۵.....	ماهیت و قلمرو کنترل قضائی.....
۴۴۸.....	ج- نظارت قضایی.....
۴۴۸.....	سازمان بازرسی کل کشور.....
۴۴۹.....	وظایف و اختیارات سازمان بازرسی کل کشور:.....
۴۵۱.....	فهرست منابع.....

فهرست جداول، اشکال و نمودارها



شکل شماره ۱- هزینه‌های دولت	۹۱
جدول شماره ۲- انواع هزینه‌های اداری، انتقالی و سرمایه‌ای	۹۸
جدول شماره ۳- هزینه‌های اداری جاری و عمرانی	۱۰۳
شکل شماره ۴- انواع قرضه	۱۱۴
نمودار شماره ۵- پایه‌های مالیاتی	۱۶۷
جدول شماره ۶- مقایسه پایه‌های مالیاتی	۱۶۹
شکل شماره ۷- طبقه بندی انواع مالیات ها	۱۷۱
جدول شماره ۸- مقایسه مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم	۱۷۴
جدول شماره ۹- اولین جدول نرخهای مالیاتی ایران	۱۷۵
جدول شماره ۱۰- نحوه محاسبه مالیات بر ارزش افزوده	۲۳۱
شکل ۱۱- جمع بندی مزایای مالیات بر ارزش افزوده	۲۳۳
شکل ۱۲- جمع بندی معایب مالیات بر ارزش افزوده	۲۳۹
جدول ۱۳- شباهتها و تفاوتهای قانون مالیات بر ارزش افزوده	۲۴۱
ادامه جدول ۱۳ - شباهتها و تفاوتهای قانون مالیات بر ارزش افزوده	۲۴۳
جدول ۱۴ - شباهت و تفاوت سازوکارهای اجرای قانون ارزش افزوده در ایران و کشورهای منتخب	۲۴۳
ادامه جدول ۱۴ - شباهت و تفاوت سازوکارهای اجرای قانون ارزش افزوده در ایران و کشورهای منتخب	۲۴۵
جدول ۱۵- وظایف درآمدی و هزینه‌های مدیریت بودجه و سطح سازمانی اجرا کننده	۳۸۲
جدول ۱۶- شرح وظایف قوای مختلف در بودجه کشور	۴۰۶
شکل ۱۷- نظارت بودجه	۴۲۹

با درود و تقدیرم احترام و ادب به شما که ملاحظه‌کننده به این نوشتار می‌باشید

امروز دنیا شاهد تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گسترده و بیداری و آگاهی ملت‌ها، گسترش و مسائل ارتباط جمعی و اینترنت، افزایش نقش مردم در انتخاب و اداره حکومت و روند رو به گسترش حقوق اقتصادی و اجتماعی مردم در اکثر کشورهای جهان است.

دولت‌ها و وظائف گسترده و روزافزونی را در بهبود زندگی مردم و اقتصاد جامعه به عهده دارند که با وظایف یکصد سال قبل آنها قابل مقایسه نیست. این گستردگی و تنوع وظایف، علاوه بر افزایش شدید مخارج دولتها، روشهای کسب در آمد و هزینه را نیز بسیار تخصصی نموده است. دخل خرج، دولت و آثار تبعات آن بر کل اقتصاد جامعه، تحت عنوان مالیه عمومی بررسی می‌شود.

مالیه عمومی درباره‌ی درآمدها و هزینه‌های عمومی و خط‌مشی‌های مالی دولت بحث می‌کند که واجد دو جنبه اقتصادی و حقوقی است چرا که کثرت قوانین و مقررات مالی و محاسباتی گویای این واقعیت است که در بررسی موضوعات این علم به جنبه‌های حقوقی آن نیز توجه شده و قانون‌گذاران و مجریان قانون و برنامه‌ریزان نیز ضرورت دارد که با ابزار و فنون مالیه عمومی علم و آگاهی داشته باشند. قلمرو علم مالیه عمومی به نقش دولت در زندگی اقتصادی و اجتماعی بستگی دارد و مطالعه آن همگام با رشد فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دولت تکامل یافته است و مشکلات اقتصادی زمینه را برای دخالت دولت در امور اقتصادی فراهم نمود، حتی دولتهای امروزی در جهت تعدیل ثروت‌ها و درآمدها اقدام می‌نمایند و بعضاً مالکیت تمام یا قسمتی از منابع تولید و سرمایه‌ها را به خود منتقل می‌کنند.

دولت وظایفی چون برقراری نظم و امنیت، حفظ استقلال، اشاعه مبانی حاکمیت قانون و تأمین کالاهای عمومی دارد. انجام دادن این وظایف و محدودیت منابع دولتی، دولت‌ها را به برنامه‌ریزی برای رسیدن به این اهداف و مشخص کردن اینکه در دوره‌های معین و محدود چه کالاها و

خدماتی، به چه مقدار، برای چه کسی و با چه اولویت هایی باید تولید کنند و صنایع مالی آن را چگونه و به چه مقدار باید کسب کنند، ملزم می کند.

این فرآیند بودجه ریزی دولتی نامیده می شود. بنابر این، بودجه، برنامه مالی مأموریت ها و وظایف دولت بوده و یک ابزار سیات گذاری است که دولت وظایف و مأموریت های خود را از طریق آن انجام می دهد. مفهوم ساده ای که از بودجه به ذهن می رسد عبارت است از سندی که نشان دهنده هزینه و درآمد دولت طی یک سال باشد.

یکی از مهمترین ارکان اقتصادی کشور «مالیات» می باشد. مالیات را به صورت زیر می توان تعریف نمود: «مالیات عبارت از سهمی است که به موجب اصل تعاون ملی و طبق مقررات موضوعه هر یک از افراد کشور موظف است از درآمد یا دارائی خویش به منظور تامین هزینه های عمومی و حفظ منافع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور بر حسب توان و استطاعت مالی خود به خزانه دولت پردازد» و به اعتقاد نگارنده، مالیات سالم ترین خونی است که در شریان های اقتصاد کشور جریان دارد.

علی رغم این که قریب به صد و ده سال است از تدوین قانون مالیات ها گذشته است، ولی کتابی که مواد قانونی مالیات ها را تفسیر کرده و عبارات حقوقی آن ها را توضیح دهد، وجود ندارد.

بدیهی است که بدون شناخت و اطلاع از مباحث ها و واژه های حقوقی در حوزه مالیات ها، نمی توان قانون مالیات ها را به خوبی درک کرد. از طرف دیگر حقوق مالیات ها مملو از عبارات حقوقی، بالخصوص حقوق خصوصی است، اگر چه حقوق مالیات ها شاخه ای از حقوق عمومی است ولی از نظر فنی قرابت آن به حقوق خصوصی هم است چرا که درآمد، محصول روابط اجتماعی افراد جامعه است و آن نیز در حقوق خصوصی مورد مطالعه قرار می گیرد. به عنوان مثال منابع مالیاتی از مباحث حقوق خصوصی است. در حقیقت شناخت درآمد و دارائی که موضوع بحث حقوق مالیات ها است از موضوعات مورد بحث حقوق خصوصی است. با توجه مراتب مذکور، در کتاب حاضر حقوق مالیات ها از دو بعد حقوق خصوصی و حقوق عمومی توجه ویژه شده است.

پرداخت مالیات، یکی از مصادیق آشکار مشارکت اقتصادی شهروندان در تأمین و برآوردن هزینه های همگانی حکومت و دولت به شمار می آید. بی گمان، منبع، مالی نقدی به نام «مالیات» ابزاری است. برای گسترش آموزش، سالم سازی محیط زیست، برپایی عدالت اجتماعی.

گسترش و همگانی سازی تأمین اجتماعی، توسعه و رفاه در گستره های گوناگون زندگی اجتماعی می تواند با سیاست گذاری ها و قانون گذاری های درست حاکمیت و دولت مورد بهره برداری قرار گیرد.

نظام مالیاتی از دو جزء عمده ی تعیین و وصول مالیات تشکیل می شود که دادرسی مالیاتی و مراجع رسیدگی کننده به اختلافات مالیاتی از مهم ترین بخش های نظام مالیاتی در مرحله وصول مالیات محسوب می شود، اختلاف مالیاتی بروز اختلاف بین طرفین در هر نظام مالیاتی یعنی دولت و مودی، امری محتمل و طبیعی است.

از دیدگاه حقوقی، چگونگی رسیدگی به این اختلاف، تحت عنوان کلی «آیین دادرسی مالیاتی» در حقوق مالیاتی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد تا عدالت مالیاتی، چه جنبه ی «رویه ای اداری» و چه جنبه ی «عدالت رویه ای اجتماعی» آن در بین دو طرف یک امر حقوقی مالیاتی مورد رعایت قرار گیرد.

بخش اول: مبانی، کلیات و مباحث مقدماتی

حقوق مالیه عمومی



فصل اول - اهمیت مالیه عمومی

مقدمه

هر انسانی برای ادامه زندگی احتیاجاتی دارد و برای تأمین آن‌ها، نیازمند انجام هزینه‌هایی است. انسان‌ها برای تأمین نیازهای خود منابعی در اختیار دارند.

برخی افراد دارای منابع و درآمدی بیش از احتیاجات خود هستند که ثروتمند محسوب می‌شوند. بعضی دیگر دارای درآمدی در حدود رفع نیازهای اصلی می‌باشند و گروهی هم قادر به تأمین درآمد کافی برای رفع نیازهای خود نیستند که فقیر به حساب می‌آیند.

هر سازمانی برای اداره امور و انجام وظایف خود متحمل هزینه‌هایی می‌شود و تأمین این هزینه‌ها مستلزم وجود منابع و درآمدهایی است.

بنگاه‌های اقتصادی نیز برحسب مقایسه دارایی، بدهی، درآمد و هزینه، موفق و ناموفق ارزیابی می‌شوند.

دولت‌ها و حکومت‌ها نیز به‌عنوان عالی‌ترین، بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین شکل سازمان یا نهاد بشری، از این قاعده مستثنی نیستند. دولت‌ها مسئولیت‌ها و وظایف گوناگونی از قبیل اداره امور جامعه، حفظ نظم و امنیت، تأمین عدالت، سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی، ایجاد ثبات اقتصادی و بسیاری امور دیگر را به‌عهده دارند که انجام این وظایف نیازمند هزینه‌های گوناگون و گسترده‌ایست. برای تأمین این هزینه‌ها دولت‌ها نیز نیازمند منابعی برای کسب درآمد هستند.

درآمد و هزینه افراد، بنگاه‌ها و موسسات، درآمد و هزینه خصوصی نام دارد.

در مقابل، درآمدهای دولت درآمدهای عمومی و هزینه‌های دولت، هزینه‌های عمومی یا مخارج عمومی نام دارد. به مجموعه دخل و خرج دولت، مالیه عمومی اطلاق می‌شود.

دولت‌ها هزینه‌های خود را از محل برداشت بخشی از درآمد افراد، بنگاه‌ها و موسسات اقتصادی و ثروت‌های تولیدشده در کشور و منابع مشابه تأمین می‌کنند.

علم «مالیه عمومی» چگونگی برآورد هزینه‌های عمومی و نحوه تأمین آن از طریق درآمدهای عمومی را بررسی می‌کند. به عبارت دیگر مطالعه عملیات، فعالیت‌ها و روش‌های قانونی کسب درآمد و انجام هزینه‌های دولت و چگونگی اداره امور و پی‌آمدهای آن در اقتصاد کشور، یا دخل و خرج دولت، موضوع علم مالیه عمومی است.

همان‌طور که نیازها و خواسته‌های انسان‌ها نامحدود است و وی مجبور است آن‌ها را با منابع و امکانات محدود خود تطبیق دهد و نیازها و خواسته‌های دولت‌ها نیز نامحدود و منابع و امکانات برآورده کردن آن‌ها محدود است.

اصل کمیایی و آثار آن بر زندگی اقتصادی فرد و بنگاه، در مورد دولت‌ها نیز مصداق دارد. مالیه عمومی وظیفه تطبیق نیازها و خواسته‌های نامحدود دولت‌ها با منابع و امکانات محدود آن را به‌عهده دارد و از قدیمی‌ترین مباحث اقتصاد به‌شمار می‌رود که در مرز بین اقتصاد، حقوق و سیاست واقع است.

دولت‌ها برای تأمین منابع مالی و انتخاب اولویت و پیش‌بینی مخارج، از اصول و روش‌های اقتصادی استفاده می‌کنند که امروزه با تفاوت‌هایی مورد قبول همه جوامع پیشرفته جهان است و تحت عنوان مالیه عمومی در علم اقتصاد مطالعه می‌شود. در واقع نقش اقتصادی دولت در تنظیم و هدایت نهادهای اقتصادی و تولیدی جامعه، در بستر مالیه عمومی تحقق می‌پذیرد و درآمدها و هزینه‌های اجرایی دولت‌ها را در سازمان‌دهی مناسب فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و مشارکت همگانی در تولید و توزیع را قانونی و توجیه‌پذیر می‌کند.

علم مالیه عمومی و نقش دولت در اقتصاد نیز به‌همراه تغییرات اجتماعی اقتصادی، دچار تحولات اساسی بسیاری شده است و آشنایی با آن برای شناخت ساختار دولت و نقش نظارتی و هدایت‌کننده آن در اقتصاد امروز بسیار ضروری است. به عبارتی مالیه عمومی در طول تاریخ گذرگاه تبدیل ایدئولوژی‌های سیاسی به روش‌های اجرایی در سطح جامعه است که نتایج آن به هر صورت به پای آن ایدئولوژی نوشته می‌شود.

در دولت‌های امروزی مالیه عمومی نقش چندگانه‌ای ایفا می‌کند. بودجه به‌عنوان سند پیش‌بینی و اجازه انجام هزینه‌ها و وصول درآمدهای سال بدواً برای تغذیه عملکرد خدمات متعدد عمومی، اداری مورد استفاده قرار می‌گیرد. این وظیفه مالیه از قدیمی‌ترین وظایف آن به‌شمار می‌رود و در قرن

نوزدهم نیز موقعی که فعالیت‌های دولت‌ها محدود به فعالیت‌های پلیسی، نظامی و قضائی بود وجود داشته است. در موازان این نقش قدیمی درمی‌یابیم که گروه‌های اجتماعی مختلف غیر از کارکنان دولت‌ها با فعالیت‌های متعدد، بعضاً خصوصی، برداشت‌کنندگان بودجه نیز می‌باشند.

دولت به نظام تأمین اجتماعی، به سالمندان کمک مالی اعطاء می‌نماید، به دانشجویان بورس می‌دهد به بنگاه‌های خصوصی جهت افزایش تولید و توسعه صادرات و به سازمان‌های ساخت و ساز اماکن نیز کمک می‌کند. بودجه در دولت‌های معاصر سه وظیفه ایفا می‌نماید، تغذیه عملکرد خدمات عمومی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی، تنظیم رشد اقتصادی، این نقش اخیر که از نیمه قرن به این طرف توسعه یافته به نقش اساسی و بنیادی تبدیل شده است. بودجه علاوه بر نقش قدیمی خود ابزار اجرای سیاست‌های دولت‌ها در قلمرو اقتصادی و اجتماعی نیز به‌شمار می‌رود.

علت اصلی این تحول از تغییر رفتار دولت‌ها در قبال مسائل اقتصادی و اجتماعی ناشی می‌گردد. دخالت دولت در امور اقتصادی و اجتماعی خواه ناخواه همراه با استفاده از اقتدار عمومی است. در دموکراسی‌های مدرن که از نقش فعال اقتدار عمومی و استفاده از نیروی الزام به‌وسیله دولت‌ها اکراه دارند لذا دولت‌ها به هزینه‌ها و درآمدهای عمومی که شیوه‌های دخالت‌های غیراقتدارگرایانه است به‌عنوان ابزارهای مرجع سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی روی آورده‌اند.

توسعه دخالت دولت در امور اقتصادی و اجتماعی از جانبی موجب وسعت هزینه‌های عمومی گشت و از سویی دیگر بر اختیارات دولت در برداشت از دارائی‌ها و درآمدهای افراد و موسسات افزود، به‌طوری که میزان وصول مالیات، امروزه به‌حدی است که از طریق دریافت آن نه تنها موجب تغییر درآمد سالانه است، بلکه روابط مالی و اقتصادی افراد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. از طریق نظام مالیاتی، دولت توانسته است در نحوه توزیع ثروت دخالت نماید. در وضعیت فعلی دولت برای تشویق تولید در زمان‌های بحرانی، جلوگیری از افزایش قیمت‌ها، حفظ قدرت خرید در دوره تورم و تأمین بهترین استفاده از ثروت ملی و توزیع درآمد مداخله می‌کند، از این‌رو هدف مالیه دیگر صرفاً تأمین مخارج اداری نیست، دولت‌ها در حال حاضر تکنیک‌های مالی را برای اجرای سیاست اقتصادی و اجتماعی خود به‌کار می‌گیرند. به سخن دیگر فنون مالی از ابزارهای مهم دخالت دولت‌ها در امور اقتصادی و اجتماعی است، بنابراین موضوع علم مالیه را در وضعیت فعلی می‌تون مطالعه کاربرد فنون مالی جهت تأمین درآمدهای ضروری برای پوشش هزینه‌های عمومی دانست که به بررسی اثرات نحوه تأمین مالی توسط دولت و آثار مداخله دولت از طریق تخصیص منابع نیز می‌پردازد.

رابطه حقوق با مالیه از آن جهت است که علم حقوق را به‌عنوان مجموعه قواعد و مقررات حاکم به جامعه معین به دو شعبه عمومی و خصوصی تقسیم می‌نمایند. حقوق عمومی ناظر بر روابط فرد و دولت و حقوق خصوصی ناظر بر روابط افراد با یکدیگر است. وصول مالیات به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راه‌های تأمین مالی دولت، وسیله ارتباط حکومت با اتباع کشور است از این لحاظ علم مالیه با حقوق عمومی ارتباط پیدا می‌نماید.

چون مالیات‌ها از دارایی‌ها و درآمدها وصول می‌شود و مطالعه اصول حقوق حاکم بر دارایی‌ها و درآمدها در حقوق خصوصی مطرح است، مالیه عمومی با حقوق خصوصی نیز در ارتباط است. مباحث مالیه عمومی از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد؛ در علم اقتصاد و مدیریت جنبه‌های اقتصادی و فنی مالیه عمومی موضوع بحث است (تحت عنوان اقتصاد بخش عمومی)، در رشته حقوق و علوم سیاسی جهات سیاسی و حقوق مباحث مالیه (از حیث ارتباط مالیه با سازمان دولت و اختیارات دستگاه اداری در وصول مالیات‌ها) موردنظر است.

تحلیل و بررسی آثار اقتصادی مخارج عمومی و درآمدهای دولت و سهم هر یک در اقتصاد جامعه موضوع بحث اصلی قرار نمی‌گیرد. بیشتر به مطالعه چارچوب حقوقی وصول درآمدهای عمومی و نحوه هزینه کردن آن‌ها پرداخته می‌شود و در مبحث درآمدهای عمومی بحث عمده به مالیات‌ها اختصاص می‌یابد.

چگونگی تجزیه و تحلیل سرمایه‌های عمومی و بررسی درآمدها و هزینه‌های یک جامعه سیاسی (دولت-کشور) موضوعی مشترک برای اقتصاد و حقوق است که هر کدام از زاویه‌ای به آن می‌نگرند که اگر زاویه دید به این موضوعات از چارچوب قواعد، اصول و روش‌های اقتصادی باشد، رشته «مالیه عمومی» قد علم می‌کند و اگر جنبه حقوقی در تحلیل‌ها، بررسی‌ها، استدلال‌ها، قواعد، روش‌ها و منابع پررنگ باشد، «حقوق مالیه عمومی» جلوه‌گری می‌کند.

منابع درآمد، راه نفس و ادامه حیات سازمان‌ها است. هیچ سازمانی بدون در اختیار داشتن منابع و درآمد کافی قادر به انجام وظایف خویش نیست و دولت‌ها نیز به‌عنوان گسترده‌ترین سازمان‌های دنیای امروز تابع این قاعده هستند.

دولت‌ها زمانی می‌توانند وظایف خود را در اداره یک کشور و هدایت آن به سمت ترقی و تعالی به‌نحو مطلوب انجام دهند که درآمد کافی برخوردار باشند.

کافی نبودن درآمد موجب عدم انجام مطلوب وظایف و اختلال نقش دولت‌ها می‌شود. البته داشتن درآمد کافی به تنهایی دلیل موفقیت یک دولت نیست و چه بسا دولت‌هایی که با وجود داشتن درآمد کافی، نتوانسته‌اند به نحو مطلوب کشور خود را اداره و هدایت کنند. امروزه دخل و خرج صحیح دولت‌ها نه تنها اتلاف منابع به حساب نمی‌آید بلکه برای تداوم حیات کشورها ضروری است و بدون وجود یک دولت متکی به قانون، مقتدر و کارآ نمی‌توان به یک جامعه سالم و پیشرفته رسید.

گسترش و تخصصی شدن وظایف دولت‌ها و نقش پیچیده آن‌ها در جوامع امروزی به جایی رسیده است که هر تصمیم آن‌ها بر سرنوشت کلیه افراد اجتماع تأثیر جدی دارد و برای داشتن جامعه موفق و پیشرفته، حضور یک دولت توانمند، کاردان و شایسته از ضروریات اصلی است.

عهده‌دار شدن ظایف بیشتر توسط دولت‌ها و دخالت افزون‌تر آن‌ها در امور اقتصادی، به مالیه عمومی اهمیت بیشتری داده و دامنه قوانین و مقررات مالی را گسترده‌تر نموده است. مالیه عمومی، قدرت وضع و وصول مالیات‌ها و هزینه آن، اصلی‌ترین مسیر دخالت دولت‌ها در جامعه تحت حکومت آن‌هاست و مالیه عمومی مهم‌ترین ابزار اجرا و پیشبرد اهداف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دولت‌ها می‌باشد.

جوامع و کشورها، همانند انسان‌ها، دارای نیازها و خواسته‌های نامحدود هستند. از سوی دیگر امکانات و درآمد دولت‌ها برای پاسخگویی و برآورده کردن این خواسته‌ها محدود است. بنابراین دولت‌ها وظیفه دارند با استفاده از امکانات موجود، این خواسته‌ها و نیازها را تا حد ممکن برآورده سازند.

کاردانی و کارآیی دولت‌ها در تخصیص بهینه امکانات یعنی به‌کارگیری منابع در مطلوب‌ترین زمینه‌های ممکن، می‌تواند کشور را در مسیر اعتلاء و پیشرفت قرار دهد و تخصیص نامطلوب این امکانات توسط دولت، منجر به اتلاف منابع عمومی خواهد شد که مسئولیت سنگینی را متوجه دولت‌ها خواهد کرد.

تخصیص بهینه دخل و خرج دولت امروزه دارای آن‌چنان اهمیتی است که بسیاری از متخصصان مالیه و اقتصاد عقیده دارند که کارکرد بخش دولتی را باید با همان اصول و روش‌های بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی ارزیابی و تحلیل کرد.

فصل دوم - مفاهیم

مبحث اول - مفهوم شناسی حقوق

معنای حقوق عبارتند از:

حقوق به معنای جمع حق‌ها؛ حق‌ها، امتیازها و اختیارات انسان را تعیین می‌کنند، مانند: "حق حیات، حق تعیین سرنوشت، حق تعیین مسکن".

حقوق به معنای قوانین و مقررات؛ مجموعه قوانین و مقرراتی که بر روابط افراد در یک جامعه سیاسی حاکم است، مانند: "قوانین استخدامی، قوانین مالیاتی".

حقوق به معنای دانش حقوقی؛ علم و دانشی که موضوع آن مطالعه و بررسی حق‌ها و قوانین و مقررات است و شیوه استنباط و وضع مقررات می‌آموزد؛ در این معنا شاهد کلیه گرایش‌ها و سایر رشته‌های حقوق مانند: "حقوق عمومی، حقوق خصوصی، حقوق اداری هستیم".

حقوق در مفهوم دستمزد، پاداش و حق‌السعی می‌باشد که؛ به کارکنان دستگاه‌های کشور یا کارکنان بخش خصوصی پرداخته می‌شود.

حقوق در مفهوم سیستم یا نظام حقوقی؛ برای مثال: نظام حقوق کامن‌لا، نظام حقوق رومی ژرمنی یا نظام حقوقی اسلام.

مبحث دوم - مفهوم‌شناسی مالیه

مالیه رشته‌ای از اقتصاد است که به مرور زمان با حقوق روابط مستحکمی ایجاد کرد که حقوق مالیه عمومی ناشی از همین ترکیب حقوق و مالیه است.

مالیه (finance) در ترکیب مالیه عمومی، ناظر بر دانش مالی یا همان علم مالی است که در آن کیفیت اداره و مدیریت سرمایه مورد بحث قرار می‌گیرد. موضوع مالیه را که همان «مدیریت سرمایه»

است، می توان در دو حوزه بررسی کرد: گاهی به صورت جزئی در یک جامعه و گاهی به صورت کلی و برای یک جامعه سیاسی (یا دولت). در قسمت اول، مالیه خصوصی متکفل بحث است و در دومی، مالیه عمومی.

اقتصاددانان تعاریف مختلفی از مالیه عمومی به دست داده اند. از این دیدگاه مالیه عمومی که اقتصاد بخش عمومی یا اقتصاد عمومی نیز خوانده می شود، درباره فعالیت های مالی، درآمدها و هزینه های دولت و تأثیر آن ها روی تخصیص منابع و توزیع درآمد بحث می کند.

بنا به نظر پروفیسور کلیفرد جیمز از دانشگاه هاروارد: «مالیه عمومی یک بررسی انتقادی است از عملیات و فعالیت های مربوط به چگونگی انجام هزینه های دولت، روش هایی که دولت در کسب وجوه مورد نیاز خویش به کار می گیرد و چگونگی اداره وجوه و منابع مالی دولت» به طور خلاصه می توان گفت مالیه عمومی در علم اقتصاد شاخه ای است که موضوع آن عبارت است از تجزیه و تحلیل درآمدها و هزینه های عمومی و آثار آن.

علمای حقوق نیز تعاریف مختلفی از «حقوق مالی» یا «حقوق مالیه» یا «مالیه عمومی» ارائه داده اند. دکتر محمدجعفر لنگرودی در ترمینولوژی حقوق، مالیه عمومی را این چنین تعریف کرده است: «مالیه عمومی مجموعه اسباب و وسایل و طرق فنی و عمومی و حقوقی مربوط به امور و فعالیت مالی اشخاصی حقوقی عمومی است». همچنین ایشان در جلد چهارم مبسوط در ترمینولوژی حقوق، مالیه را به اختصار به این صورت معرفی می کند: «علوم و قوانین مالی و طرق فنی و قانونی مربوط به امور مالی را در حقوق عمومی می گویند».

دکتر ناصر کاتوزیان نیز در این باره می نویسد: «قواعد مربوط به وضع مالیات ها و عوارضی که مأموران دولت می توانند از افراد مطالبه کنند و همچنین مقررات ناظر بر بودجه عمومی و وظایف دیوان محاسبات را حقوق مالیه می گویند».

هر تعریفی که از حقوق مالی ارائه شود، باید این موضوع را مدنظر داشته باشد که مالیه عمومی یا حقوق مالی را منحصر در حقوق مالیاتی نکنند زیرا حقوق مالیاتی بخشی از حقوق مالی است نه همه آن. چنان که لوئی پروتوبا و ژان ماری کوتره در تعریف حقوق مالیاتی اظهار داشته اند: «حقوق مالیاتی رشته ای از حقوق عمومی است که مقررات مالیاتی و مزایای اجرای آن ها را مقرر می دارد».

اگر بخواهیم تعریفی مختصر و مفید از علم مالیه عمومی به عمل آوریم می توانیم بگوییم: «علم مالیه به عنوان شاخه ای از حقوق عمومی ضمن ارتباط با برخی از علوم به رشته ای اطلاق می شود که

عملیات و فعالیت‌های مربوط به نحوه درآمدها و هزینه‌های دولت را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد.»

مبحث سوم - وجوه تمایز و تشابه مالیه عمومی با مالیه خصوصی

مالیه عمومی، مسائل دخل و خرج دولت و مالیه خصوصی، درباره درآمدها و هزینه‌ها افراد و بنگاه‌هاست.

مالیه خصوصی به دخل و خرج افراد، خانوار و بنگاه‌های اقتصادی اطلاق می‌شود و در مقابل آن مالیه عمومی فقط امور مالی دولت‌ها را دربرمی‌گیرد. منظور از دولت همه نهادهای دولتی، وابسته به دولت و شهرداری‌هاست که بودجه آن‌ها توسط مردم و منابع عمومی تأمین می‌گردد و وظایف و اختیارات آن‌ها از طریق قانون تعیین می‌شود.

گفتار اول - تفاوت مالیه عمومی با مالیه خصوصی

تفاوت‌های مالیه عمومی و خصوصی را می‌توان به ترتیب زیر برشمرد:

تفاوت در هدف

در مالیه خصوصی هدف کسب حداکثر سود است. این امر در مورد افراد حقیقی و اشخاص حقوقی به یکسان مصداق دارد. لازم به توضیح است که تنظیم دخل و خرج خانوار به منظور حداکثر کردن مطلوبیت و هدف بنگاه‌های اقتصادی حداکثر ساختن سود است. در مالیه عمومی هدف حداکثر ساختن فایده اجتماعی است و از این نظر تفاوت بنیادی با مالیه خصوصی دارد.

از آنجا که مأموریت و هدف دولت‌ها ماهیتاً با هر سازمان و بنگاه دیگری در جامعه دارای تفاوت اساسی است لذا در مالیه عمومی نیز که آئیه عملیات مالی دولت محسوب می‌شود این هدف به نحو بارزی خودنمایی می‌کند.

تفاوت در قلمرو

قلمرو مالیه خصوصی در مورد افراد محدود به درآمد و هزینه به‌عبارت وسیع‌تر دارایی و بدهی آن‌هاست. مالیه شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی دارای قلمرو گسترده‌تری است. در هر صورت مالیه خصوصی حتی در بزرگ‌ترین شرکت‌های یک کشور، دامنه و قلمرو محدودی دارد.

قلمرو مالیه عمومی به گستردگی یک کشور است. از آنجا که نهاد دولت بزرگترین و عالیترین سازمان اداری و مالی در داخل یک سرزمین محسوب می‌شود لذا قلمرو مالیه عمومی نیز شامل کل یک کشور است و از این نظر هیچ سازمان خصوصی با هر درجه از گستردگی با دولت قابل قیاس نیست. البته مالیه عمومی معمولاً در داخل مرزهای یک کشور محدود می‌شود لیکن مالیه خصوصی می‌تواند در کشورهای دیگر نیز تداوم یابد مثل افرادی که در کشورهای مختلف دارای دارایی و درآمد هستند و با شرکت‌های چند ملیتی که در کشورهای مختلف دارای شعبه و تولید می‌باشند.

تفاوت در زمان

مالیه خصوصی دارای زمان محدودی است. در مورد افراد حقیقی با پایان یافتن عمر آن‌ها پرونده مالی آن‌ها نیز بسته خواهد شد و اموال آن‌ها بین وراثت تقسیم می‌گردد. شرکت‌ها و بنگاه‌ها حداکثر پس از چندین دهه فعالیت، با ادغام، انحلال، ورشکستگی و یا تقسیم به چند شرکت دیگر از بین می‌روند و امور مالی آن‌ها خاتمه خواهد یافت.

مالیه عمومی دارای زمان نامحدود است. هر دولت موظف و مجبور است تعهدات دولت‌های قبل از خویش را محترم بشمارد و دولت‌های بعدی نیز موظفند تعهدات این دولت را عملی سازند. از زمان به‌وجود آمدن دولت در یک سرزمین، مسائل مالی آن نیز به‌وجود خواهد آمد و با تغییر دولت‌ها و حتی رژیم‌ها در یک کشور، تعهدات و مسائل مالی آن هم‌چنان تداوم خواهد یافت.

تفاوت در اعمال قوه قهریه

در مالیه خصوصی برای فروش کالا و خدمات هیچ بنگاهی دارای حق اعمال فشار و زور بر مردم نیست. مردم حق دارند که به میل خود کالایی را بخرند یا نخرند. در صورت تمایل مردم به خرید کالا یا خدمتی، کار بنگاه تولیدکننده یا ارائه‌کننده آن تداوم خواهد یافت به‌عبارت دیگر در خرید و فروش کالاهای خصوصی، اجباری در کار نیست.

در مالیه عمومی دولت برای دریافت حقوق قانونی خود، در صورت استتکاف اشخاص حقیقی و حقوقی از پرداخت آن، می‌تواند به زور متوسل شود. مثلاً اگر شخصی از پرداخت مالیات قانونی خویش خودداری کند دولت می‌تواند پس از طی مراحل قانونی نسبت به ضبط و مصادره اموال وی و استیفای حقوق خود اقدام کند. یا در صورتی که زمین فردی در طرح خیابان‌سازی و یا احداث جاده قرار گیرد که از نظر دولت و دستگاه‌های عمومی انجام آن طرح ضروری باشد آن شخص موظف است طبق قانون، زمین خود را در ازای دریافت قیمت واقعی آن برای استفاده عموم در اختیار دولت قرار

دهد. چنین حقی منحصر به دولت است و هیچ شخصی حقیقی و حقوقی دارای چنین اختیار و قدرتی نیست که بتواند شخصی را علیرغم میل وی به فروش اموالش وادار نماید.

تفاوت در تنظیم بودجه

در مالیه عمومی تنظیم بودجه اجباری است و همه اقدامات مالی دولت منوط به آن است و بر مبنای آن صورت می‌گیرد و بدون آن انجام کار ممکن نیست. لیکن در مالیه خصوصی تنظیم بودجه اجباری نیست.

تنظیم بودجه در مالیه عمومی با دولت و تصویب آن با نمایندگان مردم است.

تفاوت در موازنه

در مالیه خصوصی موازنه بین دخل و خرج ضروری است لیکن در مالیه عمومی این موازنه می‌تواند وجود نداشته باشد و دولت‌ها می‌توانند با روش‌های مختلف، مانند چاپ پول، سال‌ها موازنه دخل و خرج خود را حفظ کنند.

در مالیه خصوصی در صورت عدم توازن دخل و خرج ورشکستگی پیش می‌آید لیکن در مالیه عمومی ورشکستگی در کار نیست.

دولت‌ها به دلیل داشتن امکانات و اختیارات ویژه تقریباً هیچ‌گاه مانند بخش خصوصی ورشکسته نخواهند شد. ممکن است دولتی دچار وضع مالی بدی شود و منابع کافی برای ایفای تعهداتش در اختیار نداشته باشد لیکن ورشکستگی در مورد یک دولت جنبه سمبلیک دارد. هم‌اکنون در دنیا دولت‌هایی وجود دارند که بهره‌های خارجی آن‌ها از درآمد سالانه‌شان بیشتر است، لیکن هم‌چنان به کار ادامه می‌دهند زیرا آن‌ها امکانات یک ملت و یک کشور را در اختیار دارند که به‌طور بالقوه امکانات بی‌شماری است. به‌علاوه دولت‌ها دارای حق انحصاری چاپ پول هستند که این امر می‌تواند تا مدت‌ها هر دولتی را سر پا نگهدارد.

البته باید توجه داشت که ادامه حیات دولت‌ها در چنین وضعیت‌های بحرانی، اغلب متضمن مشکلات بیشتر اقتصادی و اجتماعی در دوره‌های بعد است.

تفاوت در کسر بودجه

در مالیه خصوصی کسر بودجه و تداوم آن امکان‌پذیر نیست لیکن در مالیه عمومی کسر بودجه یکی از ابزارهای مهم دولت برای تنظیم اقتصاد است. در مالیه خصوصی کسر بودجه، به‌معنی کاهش درآمدها در مقایسه با هزینه‌هاست که تداوم آن، منجر به ورشکستگی شرکت و موسسه مربوطه

خواهد شد. حال آنکه در مورد دولت‌ها، به دلیل امکاناتی که در اختیار دارند، با افزایش مخارج بر درآمدها، ورشکستگی اتفاق نمی‌افتد. در پاره‌ای موارد کسر بودجه ابزار دولت برای مقابله با مشکلات اقتصادی است.

تفاوت از نظر منابع درآمد

منابع درآمد دولت می‌تواند با اجازه قانون‌گذار بسیار گسترده باشد به طوری که بخش مهمی از درآمدهای مردم را (از طریق اخذ مالیات) به خود اختصاص دهد، درحالی‌که منابع درآمد موسسات خصوصی محدود به فعالیت‌های خاصی چون تولید، مبادله کالا و یا ارائه خدمات است که این خود تابع قانون عرضه و تقاضا است. همچنین باید یادآور شد که در مالیه خصوصی، "استقراض بیرونی" تنها راه تأمین منابع مالی است ولی در مالیه عمومی علاوه بر این طریق می‌توان از روش "استقراض درونی" نیز استفاده کرد.

تفاوت از نظر قواعد حاکم بر درآمدها

اصولاً درآمدهای دولتی مشمول معافیت‌های مالی و مالیاتی است، حال آنکه درآمد بخش خصوصی مشمول چنین معافیت‌هایی نیست. دیگر آنکه در مالیه خصوصی بودجه‌ها لزوماً سالیانه تنظیم نمی‌شوند ولی در مالیه عمومی، بودجه‌های دولتی نوعاً سالیانه تنظیم می‌شوند.

تفاوت از نظر موارد هزینه

دولت در هزینه‌های خود تابع قانون بودجه عمومی کشور و سایر مقررات ذی‌ربط است و هیچ سازمان و دستگاه دولتی خارج از این مقررات مجاز به هیچ‌گونه هزینه‌ای نیست درحالی‌که موسسات خصوصی در نحوه و میزان هزینه‌های خود آزادند.

تفاوت از نظر مکانیسم تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری در مالیه عمومی تابع تشریفات خاص و پیچیده‌ای است. در فرایند این تصمیم‌گیری نهادهایی چون قوه مقننه، هیأت وزیران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارتخانه‌ها و... ذی‌مدخل‌اند، لیکن تصمیم‌گیری در مالیه خصوصی متکی به اراده افراد و نهایتاً در اشخاص حقوق خصوصی مانند شرکت‌های تجاری تابع تصمیمات مجمع عمومی آنها است.

۱۲- تفاوت از نظر هماهنگی درآمدها و هزینه‌ها

«در مالیه خصوصی، هزینه‌ها باید با درآمد هماهنگ شود، درحالی‌که در مالیه عمومی در اکثر مواقع، درآمدها با هزینه‌ها هماهنگ می‌شوند».

گفتار دوم - وجوه تشابه مالیه عمومی و مالیه خصوصی

وجوه تشابه عبارتند از:

در هر دو، مسأله موازنه دخل و خرج (درآمد و هزینه) مطرح است.
در هر دو، مسأله حداکثر کردن منابع با استفاده از حداقل منابع مورد توجه است.
در هر دو، مسأله استقرار برای پوشاندن شکاف دخل و خرج جاری، امری ضروری است.

مبحث چهارم - مقایسه و ارتباط مالیه عمومی با سایر علوم

ارتباط مالیه عمومی با علم اقتصاد

موضوع علم اقتصاد اصولاً مطالعه قوانین حاکم بر ثروت و نحوه تشکیل و توزیع و مصرف آن است. به عبارت دیگر علم اقتصاد از درآمدها و نحوه هزینه این درآمدها در کل اجتماع سخن می‌گوید. حال آنکه موضوع مالیه عمومی بررسی درآمدها و هزینه‌های دولت و سازمان‌های دولتی است که مجموعاً بخشی از اجتماع آن را تشکیل می‌دهند.

مالیه عمومی در واقع شاخه بسیار مهمی از علم اقتصاد است.

علم اقتصاد علم تخصیص بهینه امکانات اقتصادی برای تولید کالاها و خدمات در جهت رفع نیازهای نامحدود است و مالیه عمومی نیز از همین منظر به درآمدها و هزینه‌های عمومی می‌نگرد. بسیاری از قوانین، مفاهیم و پدیده‌های اقتصاد عیناً در مالیه عمومی به کار گرفته می‌شود و اصولاً مالیه عمومی دولت از دیدگاه اقتصادی تجزیه و تحلیل می‌شود و بر مبنای دیدگاه‌های اقتصادی، سیاست‌ها و عملکردهای مالیه عمومی پایه‌ریزی می‌گردد.

ارتباط مالیه عمومی با علم سیاست

موضوع علم سیاست بررسی قدرت و نحوه توزیع آن در جامعه و همچنین مطالعه نظام و سازمان دولت است. سازمان دولت از دستگاه‌های اجرایی مختلف تشکیل می‌شود. هر یک از این دستگاه‌ها با تکیه بر پشتوانه مالی خود می‌توانند فعالیت کنند. مالیه عمومی در واقع شاه‌رگ سازمان‌های اداری دولت و مهم‌ترین ابزار تحقق اهداف اقتصادی، فرهنگ و اجتماعی دولت محسوب می‌شود.

سیاست‌گذاران یک جامعه (خصوصاً نمایندگان مجلس) نمی‌توانند بدون آشنایی با مفاهیم مالیه عمومی جامعه را به سوی سعادت و رفاه هدایت کنند، زیرا سیاست‌گذار زمانی می‌تواند به اهداف برنامه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خود دست یابد که برنامه‌ریزی مالی وی کاملاً دقیق بوده باشد و تخصیص بودجه به‌گونه‌ای صورت گیرد که عرصه‌های مختلف اجتماعی به‌طور هماهنگ رشد یابند. به‌عبارتی مالیه عمومی حد واسط اقتصاد و سیاست است و آنجاست که دیدگاه‌های اقتصادی با نظرگاه‌های سیاسی جامعه در هم می‌آمیزد و از درون آن‌ها سیاست‌های اداره جامعه شکل می‌گیرد.

ارتباط مالیه عمومی با علوم حقوق

مالیه عمومی ارتباط نزدیکی با علم حقوق دارد. اصل حاکمیت قانون بر درآمدها و هزینه‌های عمومی و بودجه دولت که امروزه در قانون اساسی کشورها نیز تجلی پیدا کرده، باعث پیدایش قواعد حقوقی در این ارتباط شده است که از آن به‌عنوان حقوق مالیه عمومی یا حقوق مالی نام می‌برند و قبلاً در مبحث تعریف مالیه عمومی به آن اشاره کردیم.

همان‌گونه که پیش از این نیز ذکر شد مالیه عمومی شاخه‌ای از حقوق عمومی است ولی با این‌حال این شاخه با حقوق خصوصی نیز ارتباط دارد. به‌عنوان مثال دولت با اخذ مالیات و نظارت بر امور مالی شرکت‌های تجاری عملاً با حقوق خصوصی ارتباط پیدا می‌کند. همچنین مالیه عمومی با حقوق جزا پیوند دارد زیرا اختلاس و ارتشاء به‌عنوان جرایم مالی کارکنان دولت تأثیر به‌سزایی بر امور مالی دولت دارند. از آن تحت عنوان «حقوق کیفری مالی» نام برده می‌شود که در زیرمجموعه حقوق جزای اختصاصی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. به‌علاوه بررسی و اعمال راهکارهای پیشگیری و مبارزه با جرایم مالیاتی و از جمله بزه فرار مالیاتی با تقلب مالیاتی، مستلزم شناسایی و استفاده از مفاهیم و دستاوردهای جرم‌شناسی است.

و بالاخره ارتباط مالیه عمومی با حقوق اداری غیرقابل انکار است. زیرا وسعت فعالیت دستگاه‌های اداری تا حدود زیادی بستگی به بودجه‌ای دارد که برای آن‌ها تعیین می‌شود. تعیین درآمدها و هزینه‌های سازمان‌های اداری به عهده مالیه عمومی است چرا که سازمان‌های اداری نمی‌توانند به‌تنهایی مقرراتی در خصوص کسب درآمدها و هزینه‌های عمومی خود وضع کنند.

درباره ارتباط مالیه عمومی با حقوق اساسی که مهم‌ترین رشته حقوق عمومی محسوب می‌شود گفته می‌شود که اصولاً مالیه عمومی و به‌ویژه اصل قانونی بودن مالیات‌ها نقش مهمی در پیدایش قوانین اساسی کشورها و برقراری حکومت مشروطه داشته است. معمولاً در قوانین اساسی بسیاری از

کشورهای جهان، اصول مهمی مربوط به مالیه عمومی مثل اصل مذکور، اصل قانونی بودن بودجه و اصل تمرکز عایدات و مانند این‌ها وجود دارد که رابطه بین این دو رشته را برجسته‌تر می‌کند.

ارتباط مالیه عمومی با حسابداری

همان‌طور که هر شخص حقیقی و حقوقی نیازمند آنست که سوابق مالی و حساب‌های خویش را ثبت و نگهداری کند، دولت نیز به‌عنوان بزرگ‌ترین سازمان مالی در هر کشور نیازمند نگهداشتن دقیق حساب‌های خود است تا بتواند ضمن کنترل وضعیت مالی و بررسی نظرات کارگزاران خود، امکانات لازم را برای بررسی و بازبینی برای نمایندگان مردم و سایر دستگاه‌ها، نظیر دیوان محاسبات کشور، فراهم آورد.

بنابراین در مالیه عمومی، حسابداری افراد حقیقی و حقوقی به حسابداری ملی، حساب‌های ملی و حسابداری دولتی تغییر نام می‌دهد. در این رابطه روش‌ها و مکانیسم‌های خاص نگهداری حساب‌های دولتی وجود دارد که امکان تجزیه و تحلیل آن را به دست‌اندرکاران کنترل حساب‌های دولت می‌دهد.

فصل سوم - مباحث

مبحث اول - اهداف اقتصادی مالیه عمومی

رشد و توسعه اقتصادی هماهنگ

یکی از اهداف هر نظام حکومتی رشد و توسعه اقتصادی است. رشد یعنی افزایش درآمد ناخالص ملی یک کشور در طی یک سال مالی نسبت به سال قبل. رشد یک افزایش کمی، اما توسعه یک بهبود کیفی است. برای هر توسعه‌ای رشد لازم و ضروری است، ولی کافی نیست و کافی بودن را باید در سایر مولفه‌های حاکم بر اقتصاد جستجو نمود. اجزاء تشکیل دهنده درآمد ناخالص ملی یک کشور عبارت از مصرف خصوصی، سرمایه‌گذاری، هزینه‌های دولت و تفاضل واردات و صادرات است. برای ایجاد تعادل بین چهار جزء فوق، دولت‌ها چاره‌ای ندارند مگر اینکه محوریت را براساس مالیه عمومی تنظیم نمایند.

توازن تراز پرداخت‌ها

هر کشوری که بخواهد در صحنه مبادلات اقتصادی، سیاسی و... خود را مطرح نماید، باید در تراز پرداخت‌های خود حالت توازن ایجاد نماید. یعنی وقتی بخشی از تولیدات خود را به خارج از کشور صادر می‌نماید، نهایتاً باید بخشی از نیازهای خود را از خارج تأمین نماید. علمی که بتواند به توازن صادره‌ها و وارده‌ها کمک نماید، مالیه عمومی است. پس محوریت در این مولفه نیز براساس مالیه عمومی می‌باشد.

عدالت اقتصادی و اجتماعی

یکی از مهم‌ترین هدف‌های هر نظام حکومتی در جهان استقرار عدالت اقتصادی و اجتماعی است تا تمامی افراد کشور قادر باشند با توجه به توانایی‌ها و استعدادهایی که دارند، از امکانات کشور

برخوردار شوند. علمی که بتواند به استقرار عدالت اقتصادی و اجتماعی در جامعه مدد رساند، مالیه عمومی است.

مبحث دوم - اهداف و وظایف دولت‌ها

امروزه اکثر دولت‌های جهان دارای وظایف کم و بیش مشابهی می‌باشند که از طریق مالیه عمومی در تلاش برای نیل به آن هستند.

در عمل اثبات شده است که اقتصاد کشورها صرفاً با مکانیسم بازار و خودبه‌خود به مرحله رشد، توسعه و تعادل نمی‌رسد و لازم است دولت از طریق مالیه عمومی سیاست‌گذاری و هدایت آن را به‌عهده داشته باشد.

به‌نظر می‌رسد که بیان سه وظیفه تخصیص، توزیع و تثبیت که در بسیاری کتاب‌های مالیه عمومی توضیح داده می‌شود، نمی‌تواند همه ابعاد وظایف دولت‌های امروزی را تشریح کند و لازم است این اهداف، علاوه بر وظایف سنتی، به‌صورت گسترده‌تری به‌ترتیب زیر بیان شود:

تأمین رشد اقتصادی مستمر و مطلوب

رشد اقتصادی عبارت است از درصد تغییر تولید ناخالص ملی یک سال نسبت به سال قبل. این رشد موجب افزایش درآمد سرانه کشور و در نتیجه افزایش رفاه نسبی شهروندان خواهد بود. تداوم رشد اقتصادی مطلوب در طول مثلاً ۱۰ سال موجب تغییرات عمده در ساختار اقتصاد می‌گردد و می‌تواند یک اقتصاد عقب‌مانده را به یک اقتصاد نسبتاً پیشرفته تبدیل نماید و منجر به توسعه اقتصادی و اجتماعی و افزایش سطح رفاه همگانی در برخورداری از مواهب زندگی نظیر تغذیه و بهداشت بهتر، برخورداری بیشتر از آموزش و پرورش و امنیت اجتماعی شود.

در این‌صورت مردم به آینده امیدوار بوده و تلاش و کوشش بیشتری به‌کار خواهند بست.

عدم رشد اقتصادی یا رشد اقتصادی پایین موجب عقب ماندن کشور در مقیاس جوانی خواهد شد. کلید رشد اقتصادی در افزایش سرمایه‌گذاری است و برای افزایش سرمایه‌گذاری، اصلاح و بهبود فضای کسب و کار، خصوصی‌سازی، جلب سرمایه‌گذاری خارجی از عناصر کلیدی هستند.

افزایش اشتغال و کاهش نرخ بیکاری

افزایش اشتغال و کاهش نرخ بیکاری از دغدغه‌های همه حکومت‌های جهان است.

بیکاری و پایین بودن سطح اشتغال، علاوه بر عدم استفاده از منابع کشور، موجب افزایش هزینه‌های دولت‌ها برای پرداخت حقوق بیکاری و ایجاد تنش‌های اجتماعی شده و مشکلات و هزینه‌های سنگینی را بر جامعه تحمیل خواهد کرد. در این مورد نیز افزایش سرمایه‌گذاری راه‌گشا خواهد بود.

کاهش نرخ تورم

تورم یکی از پدیده‌های شوم اقتصادی است که منجر به افزایش نابرابری‌ها، تضعیف قدرت خرید اکثریت افراد جامعه و گسترش فقر و نابرابری در جامعه می‌شود. یکی از اهداف اصلی بسیاری حکومت‌ها در جهان، کاهش نرخ تورم و نگه‌داشتن آن در ارقام پایین می‌باشد. توفیق در چنین اقدامی موجب موفقیت حکومت‌ها خواهد بود و عدم توفیق در آن برای مردم مشکلات فراوانی را ایجاد خواهد کرد. کنترل حجم نقدینگی، کوچک‌سازی دولت، ایجاد زمینه برای سرمایه‌گذاری و تولید بیشتر در کشور و ایجاد محیط رقابتی از راه‌های کنترل تورم است.

تبادل موازنه پرداخت‌ها

تبادل تراز پرداخت‌های هر کشور با جهان از متغیرهای مهم اقتصادی است که نشان‌دهنده ثبات سطح قیمت‌ها، تبادل صادرات و واردات کشور، کنترل تورم، نرخ بهره و بازده سرمایه‌گذاری در کشور است. حفظ تبادل موازنه پرداخت‌ها از وظایف مهم دولت‌هاست.

حفظ محیط‌زیست

با توجه به مشکلات زیست‌محیطی که اکثر کشورهای جهان با شدت و ضعف با آن روبه‌رو هستند، یکی از اهداف مهم دولت‌های امروز، حفظ محیط‌زیست است. این امر از طریق برنامه‌ریزی برای کاهش آلاینده‌های صنایع، حفظ فضای سبز، برقراری مالیات محیط‌زیست، ترویج الگوی مصرف مناسب و همکاری با سایر کشورها برای پاکسازی محیط‌زیست امکان‌پذیر است.

کاهش فاصله طبقاتی

گسترش فقر و افزایش فاصله طبقاتی در بسیاری کشورهای جهان، موجب ایجاد مشکلات اقتصادی و اجتماعی فزاینده‌ای است که ثبات و آرامش کشورها را دچار اختلال می‌کند با توجه به این مسائل

یکی از برنامه‌های هر دولتی کاهش فقر و فاصله طبقاتی است که می‌تواند از معضلات بعدی در این جوامع پیشگیری کند.

برقراری بیمه و حقوق بیکاری، افزایش پرداخت‌های انتقالی و هدفمندسازی یارانه‌ها و اختصاص آن‌ها فقط به گروه‌های کم‌درآمد و بی‌درآمد از روش‌های مهم انجام این امور است. افزایش کارآیی نظام‌های مالیاتی و تغییر پایه‌های مالیاتی از درآمد به مصرف امروزه در بسیاری کشورها شاهد تکامل و کارآیی بالای نظام‌های مالیاتی هستیم، به‌علاوه روند پرشتایی در بسیاری کشورهای جهان برای جایگزینی پایه مالیاتی از درآمد به مصرف آغاز شده است. در نتیجه این روند امروزه در بیش از ۱۵۰ کشور جهان مالیات بر ارزش افزوده برقرار و توانسته است سهم قابل ملاحظه‌ای در تأمین مخارج دولت‌ها ایفا نماید.

ایجاد اطمینان در مردم

به‌دلیل پیچیدگی اقتصادهای جوامع امروز، زمینه‌های بی‌اطمینانی زیادی نظیر بیماری‌ها، تصادفات، بلایای طبیعی و امثال آن وجود دارد که می‌تواند موجب ایجاد عدم تعادل زندگی روزمره بسیاری افراد شود. هر چند امروزه بیمه‌های بسیاری وجود دارد که می‌تواند به ایجاد آرامش و امنیت در زندگی کمک کند لیکن پرداخت حق بیمه‌های مربوطه برای بسیاری افراد امکان‌پذیر نیست. لذا در این موارد دولت‌ها اقدام به ایجاد بیمه‌های قانونی می‌کنند که می‌تواند مشکلات بسیاری از مردم را حل کند. بیمه بیکاری، درمان، بازنشستگی و امثال آن در زمره اموری هستند که می‌توانند زمینه بی‌اطمینانی را در جامعه کاهش دهند.

تکیه بر استقراض به جای افزایش مالیات‌ها

امروزه استقراض نقش مهمی در تأمین منابع مالی دولت‌ها به عهده گرفته است. زیرا آن‌ها قادر نیستند به آسانی برای تأمین منابع، مالیات‌ها را افزایش دهند. استقراض دولت‌ها را مکلف می‌سازد که در مورد افزایش بهره‌وری منابع در اختیار و نحوه بازگشت آن تمهیدات بیشتری بیندیشند و نگرش اقتصادی بیشتری در هزینه کردن منابع به کار گیرند. بنابراین موفقیت یا عدم توفیق در اجرای سیاست‌های مالیه عمومی هر کشوری را می‌توان در نیل به اهداف بالا ارزیابی کرد.

مبحث سوم - نظریه شکست بازار و انتخاب عمومی

گفتار اول - نظریه شکست بازار

با پیچیده تر شدن نقش و وظایف دولت‌ها و انتظارات مردم از آنان برای سر و سامان دادن به اوضاع اقتصادی، عدم توفیق نظریات اقتصاد کلاسیک در محدود بودن نقش دولت در اقتصاد و ناتوانی دست نامرئی در به تعادل رساندن اقتصاد، و افزایش تنوع و کیفیت کالاهای عمومی، انتظارات از دولت‌ها به مراتب افزایش یافت.

یکی از مباحث اساسی در این نظریات چنین بود که بخش خصوصی به دلیل زیاده‌خواهی و تلاش برای به حداکثر رساندن سود خود و عدم توجه به منافع عمومی نمی‌تواند در بسیاری زمینه‌ها کارگشا باشد و واگذاری بسیاری امور به بخش خصوصی قادر به تأمین منابع اجتماعی نخواهد بود. موارد بسیاری وجود دارد که افراد بخش خصوصی، برای حداکثرسازی منافع خویش، منافع اجتماعی را زیر پا نهاده‌اند. آسیب‌های وارده به محیط‌زیست توسط شرکت‌های خصوصی و آثار زیان‌بخش اثرات جانبی فعالیت‌های بخش خصوصی نیز از جمله این موارد است.

به‌علاوه در پاره‌ای موارد، به‌خصوص در مورد تولید و عرضه کالاهای عمومی، به دلیل عدم وجود سود کافی و ریسک بازگشت سرمایه، بخش خصوصی در آن وارد نمی‌شود. در این صورت چه باید کرد؟ این دیدگاه به‌عنوان شکست بازار یا عدم امکان موفقیت سازوکار نظام مبتنی بر بازار برای تأمین رفاه عمومی در برخی زمینه‌ها تعبیر می‌شود، بر این عقیده است که به دلیل ناکارایی و شکست مکانیسم بازار، لازم است دولت در این موارد جایگزین بخش خصوصی شود تا با کنترل دقیق بخش خصوصی و برقراری مقرراتی نظیر مالیات‌ستانی از این فعالیت‌ها، اثرات زیان‌بار فعالیت‌های جانبی آنان را، برای رعایت منافع عمومی، خنثی سازد. نظریه شکست بازار، راه را برای دخالت بیشتر دولت در بسیاری زمینه‌ها گشود.

گفتار دوم - نظریه انتخاب عمومی یا شکست دولت

نظریه شکست بازار بر این فرض و مبنای فکری استوار است که مقامات دولتی انسان‌های پاک و نیکونهادی هستند که جز به منافع جامعه نمی‌اندیشند و هدف‌شان ترقی و پیشرفت کشور است و در انتخاب بین منافع فردی خود و مصالح و منافع اجتماعی، همیشه منافع اجتماعی را مقدم می‌دارند.

در این دیدگاه عقیده بر این است که به دلیل حسن نیت دولت مردان و مقدم داشتن منافع عمومی بر منافع شخصی توسط آنان، دولت و مقامات دولتی می‌توانند با تصمیم‌گیری‌های خود منافع عمومی را بیشتر تأمین نمایند و در صورت سپردن کار به دست آنان، منافع عمومی کاملاً رعایت شده و دخالت دولت منافع عمومی را به بهترین نحو حفظ و تأمین خواهد نمود.

مردم از قدیم‌الایام به دلیل تجربیات زیاد در مورد نیت خیر حکومت‌گران چندان مطمئن نبوده‌اند. کتاب شهریار نوشته ماکیاول، و ده اصل سیاسی وی از قدیمی‌ترین نوشته‌ها در مورد ظاهر و باطن رفتار حکومت‌گران بوده است.

اصطلاح انتخاب عمومی یا نظریه اقتصادی دولت محصول تفکرات اقتصادی و سیاسی دهه ۱۹۶۰ است لیکن استفاده از تحلیل‌های اقتصادی در دنیای سیاست سابقه طولانی داشته و ریشه در تفکرات کندرسه دارد. در نوشته‌های شومپیتر هم بحث‌هایی درباره رقابت حزبی و دموکراسی و استفاده از مکانیزم‌های علم اقتصاد در آن دیده می‌شود.

ویکسل عقیده داشت دولت مجموعه‌ای از افراد است که رفتار آنان را در امور سیاسی؛ تحت تأثیر منافع شخصی آنان است.

در این دیدگاه این نظر مورد بحث قرار می‌گیرد که چگونه افرادی که در بخش خصوصی منافع فردی خود را به منافع جمع ترجیح می‌دهند، پس از انتقال به بخش دولتی و قرار گرفتن در مناصب حکومتی، به یک‌باره نگرش دیگری را در پیش خواهند گرفت و منافع جامعه را بر منافع فردی خویش ترجیح خواهند داد و این امر چه مقدار با واقعیت انطباق دارد.

از آنجا که منفعت‌طلبی غریزه‌ای طبیعی در انسان است، لذا این شخص چه در بخش خصوصی باشد و چه در بخش دولتی، تلاش خواهد کرد که منافع شخصی خود را حداکثر سازد.

البته حداکثرسازی منافع شخصی در بخش خصوصی با توجه به قوانین و مقررات کنترل‌کننده امری پذیرفته شده است لیکن استفاده از قدرت و امکانات دولتی برای تأمین منافع شخصی، مغایر با مصالح عمومی و جامعه است.

تحلیل رفتار دولت‌مردان و مبانی تصمیم‌گیری آن‌ها، زمانی در انحصار دانشمندان علوم سیاسی بود لیکن به کارگیری معیارهای اقتصادی منافع شخصی برای تحلیل رفتار دولت‌مردان و سیاسیون تحت عنوان تئوری انتخاب عمومی، دیدگاه جدیدی است که از حدود ۵۰ سال پیش شکل گرفت.

جیمز بوکانان، از اولین نظریه پردازان در این زمینه، انتخاب عمومی را «سیاست بدون خیال پردازی و فضای خیال انگیز» تعریف کرده است.

نظریه انتخاب عمومی، که آن را می توان نظریه اقتصادی ناظر بر رفتار سیاستمداران نیز نام نهاد، شامل کاربرد روش ها و تحلیل های اقتصادی برای شناخت مبانی رفتار سیاستمداران است، به عبارت دیگر توضیح و تحلیل اقتصادی اینکه چگونه بین رأی دهندگان، سیاستمداران و مجموعه دیوان سالاری دولت و حکومت در بازار سیاست، تعامل ایجاد می شود.

در تفکر ابتدایی چنین برداشت می شود که سیاسیون خواهان بهبود مصالح عمومی هستند و به همین دلیل مقامات دولتی خدمت گزاران نیکخواه و خیراندیشی هستند و تصور می شود که فکر و ذکرشان خدمت به مردم و رعایت مصالح آنان است و آن ها در برخورد با مسائل، مصالح عمومی را بر منافع شخصی مقدم می دارند.

لیکن از آنجا که افراد شاغل در دولت تلاش می کنند خود را عاری از منافع مادی نشان دهند لذا تشخیص منافع فردی در تصمیمات دولت مردان و سیاسیون در بخش دولتی به سهولت امکان پذیر نیست. تأسیس سازمان ها نظارتی متعدد برای نظارت بر کار مقامات مسئول به همین دلیل است.

امروزه در برخی کشورهای مردم سالار دیده شده که یک گروه سیاسی، با استفاده از منابع مادی اخذ شده از گروه خاص و با توافق برای جبران آن در آینده از منابع دولت، می توانند برنده انتخابات شده و سپس برای جبران، منافع ویژه ای از امکانات و قراردادهای دولتی را در اختیار آن گروه خاص قرار دهند. همین گروه خواهد توانست منابع دولت را، در اختیار گروه های رأی دهنده خاص برای انتخابات بعدی قرار دهد و با تکیه بر رأی آن ها هم چنان در قدرت بماند.

در بعضی دیگر کشورها دیده شده که حزب حاکم با صرف بیشتر امکانات دولت در پروژه های کوتاه مدت، توانسته نظر رأی دهندگان را جلب کند.

از سوی دیگر معمولاً رأی دهندگان به جزئیات برنامه اجزای توجه نمی کنند و در صورت عدم اجرای برنامه ها و وعده های داده شده نیز بایستی تا چند سال برای رأی به حزب دیگر صبر کنند.

بنابراین مشاهده می شود که در بخش دولتی نیز منافع فردی می تواند به صورت های دیگر نفع مادی نظیر حفظ قدرت، احترام، سوءاستفاده از موقعیت به نفع خویشاوندان، استفاده از اموال عمومی، تداوم حکومت با استفاده از امکانات دولتی و امثال آن صورت گیرد.

بدیهی است برای پیشگیری از سوءاستفاده دولت‌مردان از موقعیت خود می‌توان با وضع قوانین و مقرراتی این منفعت‌طلبی‌ها را کنترل کرد.

نظریه انتخاب عمومی با پل زدن بین اقتصاد و سیاست، رأی‌دهنده را مصرف‌کننده کالای سیاسی تلقی می‌کند و سیاست‌مدار و کارمند را تولیدکننده آن.

بنابراین دیده می‌شود که روی‌آوری به دولت نیز راهکار همه مشکلات نیست و در مقابل شکست بازار، شاهد شکست دولت نیز در بسیاری از زمینه‌ها هستیم.

با توجه به شکست بازار و دولت و نقائص هر یک، لازم است برای چاره‌جویی در مسائل اقتصادی، به ترکیب‌های بهینه‌ای از بخش خصوصی و دولت دست یافت تا اشکالات هر دو به حداقل رسیده و از حداکثر امتیازات هر دو استفاده شود.

فصل چهارم - تاریخچه و تحولات علم مالیه عمومی

مبحث اول - دوره باستان

آشنایی با تاریخچه و تحولات هر علمی در گذر زمان، می‌تواند اطلاعات مفیدی درباره سیر تکاملی آن علم فراهم سازد که با آگاهی به آن درک و شناخت وضعیت کنونی آن علم و کاربرد آن آسانتر خواهد شد.

مالیه عمومی به عنوان بخش اساسی در هر نظام اقتصادی مطرح است و علم مالیه عمومی نیز از شاخه‌های اصلی علم اقتصاد و به خصوص اقتصاد کلان محسوب می‌شود. روند تکاملی مالیه عمومی و اقتصاد از هم جدا نیست و این هر دو اثرات بر هم افزایی فراوانی بر یکدیگر داشته‌اند. مکاتب اقتصادی نیز در مورد نقش دولت در اقتصاد نظریات مختلفی داشتند که مروری بر آنها روند تکاملی علم مالی عمومی را توضیح می‌دهد.

برای شناخت بیشتر علم مالیه عمومی تاریخچه مختصری از آن ارائه می‌شود:

از آغاز پیدایش حکومت‌ها و تشکیل جوامع سیاسی، وجود سازمان‌های مالی و مساله تامین منابع مالی لازم برای اداره کردن کشور از اهمیت خاصی برخوردار بوده است.

در یونان قدیم به دلیل اینکه شیوهی حکومت به صورت «دولت-شهر» بوده و کشور (state) به معنای امروزی کلمه به عنوان شخصیت حقوقی ممتاز و مستقل وجود نداشته است به مالیه عمومی هم که دخل و خرج عمومی کشور را در بر می‌گیرد کمتر توجه شده و هم اصلی یونانیان مدیریت شهر و شهرسازی بوده است.